

سناریوهای پیش روی حضور زنان ایرانی در عرصه سیاست ۱۳۹۶-۱۴۰۶ یک بررسی آینده پژوهانه

فرهاد درویشی سه تلانی^۱، زهره همتی^{۲*}

چکیده

مشارکت و فعالیت سیاسی زنان در تاریخ سیاسی ایران به شیوه‌های مختلف انجام پذیرفته است؛ موضوعی که نقشی درخور توجه در سیر تحولات تاریخی ایران داشته و بدیهی است در آینده مشارکت سیاسی این کشور نیز تأثیرگذار خواهد بود. مقاله حاضر، که از نوع تحقیقات کاربردی است، با اتکا بر روشی توصیفی-پیمایشی در صدد است به این پرسش پاسخ گوید که روند حضور زنان در عرصه سیاست ایران در دهه آینده چگونه خواهد بود؟ در این پژوهش، ابتدا با استفاده از پرسش‌نامه باز، از استادان و صاحب‌نظران درخصوص شاخص‌های فعالیت‌های زنان ایرانی در عرصه سیاست نظرسنجی به عمل آمد و گویه‌های به‌دست‌آمده با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی در ۷ مقوله شاخص‌های فردی- روان‌شناختی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و ویژگی‌های نهادی طبقه‌بندی شد. در ادامه، براساس گام‌های سناریونگاری شوارتز، ابعاد سه‌گانه مستخرج از ۷ مقوله یادشده، سناریوهای چهارگانه آینده فعالیت زنان ایرانی در عرصه سیاست- یعنی سناریوی اول: حضور کم‌رنگ و کم‌اثر زنان؛ سناریوی دوم: تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران؛ سناریوی سوم: پیشتازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اقتصادی و رفع نارسایی‌های فرهنگی اجتماعی؛ سناریوی چهارم: ارتقای وضع فعلی مشارکت زنان- تدوین شدند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که نمی‌توان روند ده سال آینده فعالیت زنان در عرصه سیاست را حضوری صرفاً کم‌رنگ و کم‌اثر دانست، بلکه رشد تدریجی مشارکت آنان محتمل و مطابق با واقع خواهد بود. درنهایت، چنین به نظر می‌رسد که با اتکا بر توضیحاتی که در ارتباط با هر یک از سناریوها ارائه شد، ظهور و بروز سناریوی چهارم محتمل‌ترین گزینه خواهد بود.

کلیدواژگان

آینده‌پژوهی، تحلیل محتوا، سناریونگاری، مشارکت سیاسی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین
farhaddarvishi222@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه اصفهان
z.hemmati1421@yahoo.com
(نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۲۳

مقدمه و طرح مسئله

مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. لستر میلبرات سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده است که از عدم درگیری در سیاست تا داشتن مقام سیاسی یا اداری تغییر می‌کند و پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی رأی‌دادن در انتخابات است. در واقع، رأی‌دادن از منظر تعداد افراد درگیر در فرایند مشارکت سیاسی پرشمار و از نظر کیفیت مشارکت در سطح حداقلی قرار می‌گیرد [۱۰].

طی سال‌های گذشته، مجموعه‌ای از تحولات داخلی و فراملی موقعیت زنان ایرانی را دگرگون کرده است. وقوع انقلاب اسلامی و رشد ارزش‌های عدالت‌خواهانه، گسترش آزادی‌های مدنی، فرایند نوسازی و توسعه جامعه، دگرگونی ارزش‌های سنتی، افزایش تحصیلات دانشگاهی، بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و دسترسی به اطلاعاتی که در سطح جهانی گردش دارد، در مجموع، میزان سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و سیاسی زنان را ارتقا داده است. این وضعیت به تدریج جایگاه زنان را در سلسله‌مراتب جامعه و نقش آن‌ها را در اداره امور کشور متحول کرده است.

در این فرایند، عرصه‌های تازه‌ای برای افزایش توانمندی‌ها و بروز شایستگی‌های زنان فراهم آمده است، اما هنوز هم زنان بیش از مردان از تبعیض، تحقیرشدگی، خشونت، تجاوز جنسی، فقر، کم‌سواد و احساس ناامنی در رنج‌اند؛ درحالی‌که الگوی «توسعه جامعه» بر پایه هر نظام عقیدتی و هر پارادایم علمی که شکل گرفته باشد، عدالت فراگیر، رعایت حقوق انسان‌ها و رفع محرومیت از افراد آسیب‌پذیر از اهداف یا نتایج مورد انتظار آن است [۳].

تحت تأثیر فضای شکل‌گرفته، چه‌بسا گسترش تحقیقات و جمع‌آوری آرا و تبیین روند حضور زنان در عرصه سیاست کشور در گذشته، حال و به‌ویژه بررسی این روند در آینده پاسخی شایسته به پرسش‌هایی باشد که در سطوح و لایه‌های مختلف جامعه در رابطه با این مقوله باشد.

در همین زمینه، دغدغه اصلی مقاله حاضر پاسخ‌گویی به این سؤال است که: سناریوهای محتمل در خصوص آینده حضور زنان در عرصه سیاست ایران چگونه خواهد بود؟ سؤالات فرعی که در این زمینه مطرح می‌شوند عبارت‌اند از:

- چگونه می‌توان از روش سناریونگاری در تبیین مسائل سیاسی استفاده کرد؟
- کیفیت و میزان مشارکت سیاسی زنان در کشور ایران در پیش و پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

- سناریوهای محتمل در خصوص آینده حضور زنان در عرصه سیاست ایران چگونه خواهد بود؟
در ارتباط با فرضیه اثر حاضر، باید گفت سناریوهای مختلفی می‌تواند مطرح باشد. از نظر نویسندگان بهبود و رشد وضعیت فعلی فعالیت‌های سیاسی زنان و نه لزوماً یک تحول عمیق نهادی به‌منزله فرضیه محتمل برای وقوع طی ده سال آینده ارائه می‌شود.

پیشینه و شرایط فعلی مشارکت سیاسی زنان ایرانی قبل از انقلاب

در جریان انقلاب مشروطه ایران، که در سال ۱۲۸۵ به وقوع پیوست، زنان به‌رغم علایقشان به شرکت در تشکلهای و آینده سیاسی جامعه‌شان، به موجب ماده ۲ قانون انتخابات مجلس، از انتخاب شدن و انتخاب کردن منع شدند.^۱ به این ترتیب، زنان در ردیف افراد نابالغ، مرتد، متکدیان، قاتلان، سارقان و... قرار داده شدند تا تحت لوای چنین قوانین زن ستیزانه‌ای فرصتی برای طرح حقوق فردی و اجتماعی خود نداشته باشند و در حاشیه تحولات اجتماعی به عناصری را که و ایستا بدل شوند. با وجود این، هر چند انقلاب مشروطیت در ایجاد و استقرار یک نظام سیاسی مردم سالار تاحدودی ناموفق بود، در این دوران بود که زنان ایران در مناطق مختلفی چون آذربایجان، گیلان، قزوین، اصفهان، تهران و... با تشکیل انجمن‌های سری و غیرسری هم‌دوش مردان به مبارزه با استبداد قاجاریه پرداختند؛ اگر چه مشارکت در امور سیاسی برای زنان از اوایل قرن بیستم و با تأخیری صدساله با مردان آغاز شد [۵].

با شروع سلسله پهلوی، موج تجددگرایی هم آغاز می‌شود، اما نهادهای دموکراتیک به دلیل تضاد منافع با شخص شاه مجال رشد و توسعه نیافتند. در واقع، تجددگرایی زمان پهلوی را می‌توان فاقد پشتوانه‌های نهادی دانست و از آن به ژست غربی شدن تعبیر کرد، زیرا در همین زمان، بحران حقوق زن نخستین بار خود را عیان کرد؛ به طوری که در جریان رویداد کشف حجاب در ۱۷ دی ۱۳۱۴ بخش وسیعی از زنان ایران به طرفداری از مراجع و علمای دینی با این رویداد اجباری مخالفت کردند. در واقع، طی دوره سلطنت پهلوی اول، زنان همپای صغار و مجانبین همچنان از حقوق انسانی و مشارکت سیاسی محروم بودند. با وجود این، برخی نویسندگان غربی کوشیده‌اند این‌طور وانمود کنند که در دوره رضاخان حضور روزافزون زنان در فعالیت‌های ملی باعث شد زنان، با اینکه حق رأی نداشتند، به تدریج احترام خاصی در جامعه کسب کنند. در دوره سلطنت محمدرضا شاه، قانون منع حق رأی زنان تا سال ۱۳۴۱ به قوت خود باقی بود. اما در ایران سال ۱۳۴۲، به دنبال برنامه اصلاحات انقلاب سفید، حق رأی زنان اعطا شد. در همین سال، در میان نمایندگان مجلس شورای ملی از بین ۱۹۷ مرد ۶ زن بوده‌اند. در سال ۱۳۵۰ از ۲۷۰ نماینده ۲ نفر زن بوده است. سهم زنان در امور سیاسی در سال ۱۳۵۴، یک وزیر زن و ۳ معاون وزیر بود. این آمارها نشان می‌دهد که در این دوره مشارکت سیاسی زنان در حاشیه قرار دارد [۵].

۱. (قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب ۲۹ مهر ۱۲۹۰) براساس ماده ۰۱ قانون انتخابات مجلس مصوب ۹۲۳۱ هجری قمری، اشخاص ذیل از انتخاب کردن به طور مطلق محروم‌اند: ۱. زنان؛ ۲. کسانی که خارج از رشد و تحت قیمومیت شرعی هستند؛ ۳. اشخاصی که خروجشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از احکام شرع جامع‌الشرایط به ثبوت رسیده باشد؛ ۴. ورشکستگان به تقصیر؛ ۵. متکدیان و کسانی که به وسایل بی‌شرفانه تحصیل معاش می‌نمایند؛ ۶. مرتکبین قتل و سرقت و سایر مقصرینی که مستوجب حدود قانونی اسلامی شده‌اند.

پس از انقلاب

انقلاب اسلامی فضای جدیدی را برای حضور زنان در عرصه‌های مختلف زندگی جمعی و سیاسی گشود و زنان را به‌عنوان هویت‌های انسانی برابر با مردان مطرح کرد. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، زنان و مردان به‌طور مساوی حق شرکت در انتخابات را دارند و هیچ تفاوتی برای رأی‌دادن، مشارکت زنان در ایران، نامزد و انتخاب‌شدن بین زن و مرد وجود ندارد [۱۱].

از ابتدای شکل‌گیری انقلاب در ایران با ترکیبی از انواع مشارکت سیاسی زنان روبه‌رو هستیم. در برخی منابع مشارکت سیاسی زنان، با توجه به سطح مشارکت آنان، به دو سطح توده و نخبگان تقسیم‌بندی شده است. مشارکت سیاسی توده‌ای زنان در عرصه‌هایی چون شرکت در فرایند انقلابی، شرکت در انتخابات ادواری، شرکت تظاهرات و راهپیمایی‌ها، شرکت در گروه‌ها و انجمن‌ها، شرکت در فعالیت‌های بسیج و جنگ تحمیلی است. شرکت در سطح نخبگان نیز شامل عضویت در مجلس قانون‌گذاری، فعالیت‌های قوه قضاییه، مشارکت در سطوح بالای تصمیم‌گیری دولت می‌شود [۴].

جدول ۱. آمار حضور زنان در انتخابات و نمایندگی مجلس شورای اسلامی [۷]

دوره انتخابات پارلمان	بازه زمانی	تعداد کل داوطلبان	تعداد زنان داوطلب برای نمایندگی پارلمان	تعداد زنان منتخب درصد	تعداد زنان برای پارلمان درصد
اول	۲۴ اسفند ۱۳۵۸	۳,۶۹۴	۶۶	۱,۷۸	۲
دوم	۲۶ فروردین و ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۳	۱,۵۹۲	۲۸	۱,۷۵	۴
سوم	۱۹ فروردین و ۲۳ اردیبهشت ۱۳۶۷	۱,۹۹۹	۳۷	۱,۸۵	۳
چهارم	۲۱ فروردین ۱۳۷۱	۳,۲۳۳	۸۱	۲,۵۰	۹
پنجم	۱۸ اسفند ۱۳۷۴	۵,۳۶۵	۳۲۰	۵,۹۶	۱۰
ششم	۲۹ بهمن ۱۳۷۸ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۹	۶,۸۵۳	۵۱۳	۷,۴۸	۱۱
هفتم	۱ اسفند ۱۳۸۲	۸,۱۷۲	۸۲۸	۱۰,۱۳	۱۲
هشتم	۲۴ اسفند ۱۳۸۶	۷,۶۰۰	۶۱۱	۸,۸۰۳	۸
نهم	۱۲ اسفند ۱۳۹۰	۵,۲۸۳	۲۴۹	۴,۷۱	۹
دهم	۷ اسفند ۱۳۹۴ و ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۵	۱۲,۲۰۸	۵۸۶	۴,۸۰	۱۷

روش تحقیق

روش به کاررفته در این تحقیق توصیفی- پیمایشی است. به این معنا که به کمک اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه باز به تبیین و توصیف وضعیت عوامل و متغیرهای مؤثر بر فعالیت زنان ایرانی در عرصه سیاست پرداخته و به تحلیل آن مبادرت شده است.

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش اسنادی- کتابخانه‌ای، مصاحبه با خبرگان، تحلیل محتوای استقرایی^۱ استفاده شده است. شایان ذکر است که هدف مقاله حاضر این است که ضمن تبیین سابقه فعالیت سیاسی زنان در ایران، با استناد با آرای خبرگان، به تحلیل سناریوهای احتمالی پیش روی فعالیت سیاسی زنان ایرانی طی ده سال آینده پرداخته شود. به این منظور، ابزار اندازه‌گیری مشاهده وضعیت فعالیت سیاسی زنان شامل در نظر گرفتن یک جامعه آماری متشکل از استادان، خبرگان و صاحب‌نظران عرصه مطالعات سیاسی و آینده‌پژوهی به‌طور کلی و سپس نمونه‌گیری می‌شود. در کنار این، گستره‌ای از تحقیقات کتابخانه‌ای و تحلیل مقوله‌ای جهت مطالعه دقیق و مشاهده مقوله مشارکت و فعالیت سیاسی زنان در ایران در این پژوهش استفاده شده است.

از آنجا که مأموریت اصلی تبیین کیفیت فعالیت سیاسی زنان با نگاه به آینده این فرایند و بیان کیفیت سلبی یا ایجابی این وضعیت است، با تعداد ۲۵ نفر از استادان و خبرگان رشته‌های علوم سیاسی (۷ نفر/ ۲۸ درصد)، جامعه‌شناسی زنان (۴ نفر/ ۱۶ درصد)، حقوق (۷ نفر/ ۲۸ درصد)، آینده‌پژوهی (۴ نفر/ ۱۶ درصد) و مدیریت (۳ نفر/ ۱۲ درصد) مصاحبه شد و بنابراین شیوه نمونه‌گیری کاملاً هدفمند بوده است.

برای تعیین اعتبار پرسش‌ها در این پژوهش، در ابتدا از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. برای تعیین روایی با مطالعه منابع مربوط، طرح اولیه پرسش‌نامه تهیه و از سوی ۱۰ نفر از اعضای هیئت علمی صاحب اثر و تألیف در زمینه کیفیت فعالیت سیاسی زنان در ایران بررسی شد. میزان شناخت این افراد نسبت به موضوع مقاله، بنا به اظهار خود، این‌گونه بوده است. چهار نفر، یعنی ۴۰ درصد، میزان شناخت خود را از موضوع فعالیت زنان در عرصه سیاست خیلی زیاد و ۶ نفر، یعنی ۶۰ درصد، در حد زیاد ارزیابی کرده‌اند. در مجموع، دامنه شناخت ایشان بین زیاد تا خیلی زیاد است و این امر بیانگر شناخت مناسب ایشان برای اظهار نظر در مورد عنوان مقاله است. درنهایت، پس از دریافت آراء، مواردی اصلاح، تکمیل و دقیق‌تر شده و سؤالات نهایی تدوین شدند.

۱. در اینجا هدف تحقیق استقرایی کمک به پدید آمدن یافته‌های تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست. این امر به آن معناست که محقق با رجوع به داده‌های مطالعه‌شده، به تدریج آن‌ها را خلاصه می‌کند تا درنهایت به اصلی‌ترین مفاهیم و مضامین مرتبط با موضوع تحقیق دست پیدا کند [۲].

تجزیه و تحلیل داده‌ها

براساس روش اصلی تحقیق در این پژوهش، که مبتنی بر سناریونگاری^۱ است، در ادامه با اتکا بر داده‌هایی گردآوری شده تلاش می‌شود در قالب گام‌های اول تا هشتم روش سناریونگاری به تحلیل وضعیت فعالیت سیاسی زنان و سناریوهای محتمل در این عرصه پرداخته شود.

گام اول: آشکارسازی تصمیم: گام نخست در سناریونویسی تعیین و آشکارسازی هدف و نیت ما از انجام دادن این کار است. در پژوهش حاضر، همان‌طور که در قالب پرسش اصلی به آن پرداخته شد، سناریوهای محتمل در خصوص حضور زنان در عرصه سیاست ایران در آینده چگونه خواهد بود؟

گام دوم: تعیین افق زمانی و جمع‌آوری اطلاعات: متناسب با هدف یا جهت‌گیری اصلی لازم است تا افق زمانی سناریونویسی مشخص شود. روش‌های مرسوم سناریونویسی تمایل دارند ۱۰ تا ۱۵ سال آتی را بررسی کنند. به طریق اولی بازه زمانی مورد توجه در این پژوهش ۱۰ سال آینده، یعنی از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶، را محور اصلی مطالعه خود قرار داده است، اما فرایند تدوین سناریو لزوماً شامل به دست آوردن و جمع‌آوری اطلاعات است. بنابراین، در ادامه راه ابتدا با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی، نظر استادان و صاحب‌نظران در خصوص فعالیت زنان در عرصه سیاست ۱۲ شاخص کلیدی در ارتباط با فعالیت زنان در عرصه سیاست ایران برجسته شدند که در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های فعالیت سیاسی زنان در ایران [۱]

کمیت و کیفیت شکاف جنسیتی در جامعه	۱۰	میزان تمایل زنان به شرکت در فعالیت‌های سیاسی	۷	میزان اعتماد عمومی به بانوان در تصدی مناصب و پست‌های سیاسی	۴	کیفیت آموزه‌های دینی حمایتی و ممانعتی نسبت به فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان پایگاه اقتصادی زنان	۱
کمیت و کیفیت نهادها و مجاری سازمانی مرتبط با زنان	۱۱	سطح آگاهی‌ها و تجربه فعالیت سیاسی زنان	۸	کیفیت سنت‌های ایرانی حمایتی و ممانعتی نسبت به فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان	۵	(سطح مالکیت و صاحب سرمایه بودن زنان) و سطح حمایت‌های قانونی از فعالیت‌های اقتصادی زنان	۲
قوانین مربوط به جایگاه سیاسی زنان	۱۲	کیفیت فرایند جامعه‌پذیری سیاسی زنان (خانواده و نظام آموزشی)	۹	کمیت ضریب نفوذ رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در مردم ایران	۶	کیفیت جنبش‌ها و جریان‌های فرهنگی و اجتماعی برآمده از فناوری‌های اطلاعاتی نوین	۳

۱. در مقاله حاضر، از روش سناریونگاری پیتر شوارتز در کتاب هنر دورنگری استفاده شده است [۸].

مطابق با جدول ۲، شاخص‌های فعالیت سیاسی زنان براساس نمره‌هایی بین ۱ تا ۷ از سوی خبرگان نمره‌دهی و براساس مقولات هفت‌گانه شاخص‌های فردی- روان‌شناختی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، ارتباطی و ویژگی‌های نهادی طبقه‌بندی شد. گویه‌های مربوط به هر مقوله در جدول ۳ مشخص شده است:

جدول ۳. شاخص‌های فعالیت سیاسی زنان در ایران [۱]

مقوله	گویه‌ها
سیاسی	پایین بودن سطح تجربه فعالیت و کنشگری سیاسی پایین بودن سطح تصدی مناصب سیاسی بی‌اعتنایی و عدم تمایل زنان به فعالیت سیاسی پایین بودن سطح آگاهی‌های سیاسی زنان پایین بودن سطح آزادی مطبوعات
نهادی	نقص در قوانین و صریح نبودن قوانین مربوط به تصدی مناصب و فعالیت‌های سیاسی اجتماعی زنان فقدان نهادها و مجاری سازمانی مشوق فعالیت‌های زنان
اقتصادی	ضعف پایگاه اقتصادی زنان (سطح پایین مالکیت و صاحب سرمایه بودن زنان) سطح پایین تصدی مناصب اقتصادی سطح پایین حمایت‌های قانونی از فعالیت‌های اقتصادی زنان
فرهنگی	مردسالاری اغلب آموزه‌های دینی و فقهی دم حضور گسترده زنان در فعالیت‌های اجتماعی- سیاسی در سنت‌های ایرانی سطح پایین تحصیلات زنان سطح پایین اعتماد عمومی به بانوان در تصدی مناصب و پست‌های سیاسی عدم اعتماد زنان به هم‌جنس خود در رهبری و مدیریت امور
اجتماعی ارتباطات و رسانه	ضعف جامعه‌پذیری سیاسی زنان (خانواده و نظام آموزشی) سطح پایین شکاف‌های جنسیتی در جامعه تأثیرپذیری اندک زنان از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در حوزه فعالیت‌های سیاسی جنش‌ها و جریان‌های فرهنگی و اجتماعی برآمده از فناوری‌های اطلاعاتی نوین

در ادامه، براساس فراوانی تعداد آرای خبرگان به هریک از مقوله‌ها نمره‌ای خاص اختصاص پیدا کرده است. به این ترتیب که مقوله سیاسی ۳ رأی (۱۲ درصد)، مقوله نهادی ۴ رأی (۱۶ درصد)، مقوله اقتصادی ۳ رأی (۱۲ درصد)، مقوله فرهنگی ۴ رأی (۱۶ درصد)، مقوله روان‌شناسی فردی زنان ۵ رأی (۲۰ درصد)، مقوله اجتماعی ۴ رأی (۱۶ درصد) و مقوله ارتباطات و رسانه‌ها ۲ رأی (۸ درصد) را به خود اختصاص دادند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، صرفاً این طبیعت زنان نیست که محدودیت‌هایی را در نقش آنان سبب شده است، بلکه این نقش‌ها زاینده مجموعه‌ای از سنت‌ها، پیش‌داوری‌ها و قوانین

کهن‌اند که زنان نیز در تکوین آن سهیم بوده‌اند [۹]. با توجه به اینکه شاخص‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارتباطی امتیازهای نزدیک به هم داشتند و در مقابل شاخص‌های نهادی و روان‌شناسی فردی امتیازات بالایی داشتند. با پیروی از تقسیم‌بندی متغیرهای مشارکت سیاسی به عوامل درونی و بیرونی، در این پژوهش، مجموعه مقولات هفت‌گانه تحت عناوین جامعه‌شناختی، نهادی و فردی، که نماینده تمام گویه‌هاست، دسته‌بندی شدند و سایر مباحث با اتکا بر این سه بعد پرداخته خواهند شد.

حال پس از گردآوری اطلاعات نسبی در ارتباط با شاخص‌های فعالیت سیاسی زنان در ایران، در ادامه گام‌های سناریونگاری به گام سوم، یعنی شناسایی نیروهای کلیدی حوزه فعالیت سیاسی زنان، اشاره خواهد شد.

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران کلیدی

در ترسیم چشم‌انداز سیاست آینده حضور و مشارکت زنان در عرصه سیاست چندین عامل را می‌توان به‌منزله نیروهای کلیدی و پیشران، که عموماً قابلیت کنترل اندکی دارند، در نظر داشت که مصاحبه و هم‌اندیشی با استادان و صاحب‌نظران مورد مشورت واقع‌شده عبارت‌اند از: تحولات در حوزه توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، مدرنیسم، جریان جهانی‌شدن، تحول در عرصه فرهنگ سیاسی و رویکرد سنتی در رابطه با فعالیت سیاسی اجتماعی زنان و اقتصاد بازار آزاد. با ابتننا بر این پیشران‌های پراهمیت تعدادی روندها در رابطه با آینده فعالیت زنان در عرصه سیاسی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

- رشد جمعیت؛

- رشد طبقه متوسط؛

- آموزش و تحصیلات عالی؛

- رشد اقتصاد خصوصی؛

- اتصال به سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی؛

- رشد فردگرایی؛

- توسعه ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی؛

- توسعه آگاهی‌های عمومی و مطالبه‌گری مردم.

درواقع، جهت و نتایج هر یک از روندهای مطرح‌شده می‌تواند به‌منزله فرصت یا چالشی در رابطه با حضور و مشارکت زنان در عرصه سیاست تأثیرگذار باشد. با توجه به روندهای کلی یادشده، نیروهای پیشران در چگونگی فعالیت سیاسی زنان در ایران را می‌توان به شکل ذیل ترسیم کرد:

جدول ۴. پیش‌ران‌های کلیدی در فعالیت زنان در عرصه سیاست [۱]

مقوله	سطوح	داخلی	جهانی
نهادی	نوع ساختارها و نهادهای سیاسی و حقوقی مرتبط با زنان	فعالیت نهادهای بین‌المللی غیردولتی در امور زنان	
فردی	استقلال‌گرایی، میزان اتکا به خود و اعتماد به نفس	کمیت و کیفیت تصدی مناصب سیاسی در کشورهای مختلف	
جامعه‌شناختی	ساختار اجتماعی، شکاف‌های موجود در جامعه، آموزه‌های دینی، فرهنگ مشارکت، توزیع فرصت‌های اقتصادی	جهانی‌شدن	

گام چهارم: آشکارسازی عناصر نسبتاً معین و گام پنجم: شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی

عناصر نسبتاً معین، که به زنجیره رویدادهای خاص وابسته نیستند، شالوده توسعه سناریوها و منطق حاکم بر آنها هستند. به علاوه، در هر طرحی، عدم قطعیت‌های بحرانی مختلفی وجود دارند و وظیفه اصلی هر طراح سناریو جست‌وجو و یافتن آنهاست. طراح سناریو با مورد سؤال قرار دادن مفروضات خود درباره عناصر نسبتاً معین و پیگیری زنجیره روابط می‌تواند برخی عدم قطعیت‌های بحرانی را شناسایی کند.

بنابراین، پس از تعیین پیش‌ران‌ها و نیروهای اصلی در ابعاد سه‌گانه جامعه‌شناختی (شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ارتباطی) روان‌شناختی و نهادی اکنون لازم است گام‌های چهارم و پنجم را برداریم. به این منظور، ابعاد سه‌گانه را در هم ادغام می‌کنیم. برای تعیین دو حد نهایی سناریوهایی که قصد طراحی آنها را داریم، در جدول ۵ وضعیت مطلوب و نامطلوب درباره آینده فعالیت زنان در عرصه سیاست ایران مشخص شده است:

جدول ۵. تعیین وضعیت ابعاد کلیدی فعالیت سیاسی زنان ایران در دهه آینده [۱]

ابعاد	وضعیت	وضعیت	وضعیت
عدم قطعیت	پیش‌تازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر	عدم قطعیت	رشد فعالیت‌های سیاسی زنان با بهره‌مندی از حمایت‌های سیاسی
پیش‌تازی زنان	سیاسی، اقتصادی در بستری مساعد ناشی از رفع نارسایی‌های فرهنگی اجتماعی باعث می‌شود تا حدودی عقب‌ماندگی تاریخی زنان جبران شود و بستر مناسب برای مشارکت بیشتر آنها در این زمینه فراهم شود.	وضع فعلی	اقتصادی نظام در بستری از موانع فرهنگی و اجتماعی تقویت انگاره‌های منفی زنان درباره خود و
الگوی سکولار مشارکت (فردی)	تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران	انزوای زنان	بالتبع حضور کم‌رنگ و کم‌اثر آنان در حوزه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی

گام ششم و هفتم: تدوین و تحلیل سناریوها

براساس فرض‌های مربوط به عناصر نسبتاً معین و عدم قطعیت‌های بحرانی و چگونگی رفتار نیروهای پیشران کلیدی می‌توان سناریوهای مختلفی را تبیین و تدوین کرد. در واقع، سه محور مذکور چارچوبی مفهومی برای اکتشاف آینده‌های ممکن متعدد فراهم می‌آورند. در ادامه تلاش می‌شود ضمن توجه به توضیحات پیشین و با توجه به عدم قطعیت‌های بحرانی در سه بعد جامعه‌شناختی، نهادی و روان‌شناسی فردی زنان و روندهای متصور در دو حد نهایی مطلوب و نامطلوب چهار سناریوی مطرح توضیح داده شود که عبارت‌اند از:

سناریوی اول: حضور کم‌رنگ و کم‌اثر زنان؛

سناریوی دوم: تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران؛

سناریوی سوم: پیشتازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اقتصادی و رفع

نارسایی‌های فرهنگی اجتماعی؛

سناریوی چهارم: رشد فعالیت‌های سیاسی زنان با بهره‌مندی از حمایت‌های سیاسی

اقتصادی نظام در بستری از موانع فرهنگی و اجتماعی (ارتقای وضع فعلی مشارکت زنان).

بحث و نتیجه‌گیری

پس از تدوین سناریوها باید به تصمیم‌شناسایی شده در گام اول بازگشت. باید دید که عملکرد تصمیم‌ما، که همانا شناسایی وضعیت آینده فعالیت سیاسی زنان در ایران بود، در هریک از سناریوها چطور به نظر می‌رسد برای نیل به این منظور، به ترتیب، به تحلیل میزان محتمل بودن هریک از سناریوها و اولویت‌بندی و درنهایت گزینش سناریوی محتمل‌تر پرداخته می‌شود.

سناریوی اول: حضور کم‌رنگ و کم‌اثر زنان

در این سناریو، که از عوامل فردی روان‌شناختی زنان متأثر است، پیش‌بینی می‌شود که زنان نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در عرصه سیاست نداشته باشند.

در جدول‌های ذیل، که برگرفته از پژوهشی مستقل^۱ در ارتباط با عوامل تحدیدکننده فعالیت سیاسی زنان است، تلاش شده است با طرح پرسش از درجه علاقه زنان به درگیر شدن در فعالیت‌های سیاسی به‌طور اعم و میزان علاقه به کاندیدا شدن در انتخابات مجلس به شکل خاص، زمینه مورد علاقه برای فعالیت و همچنین نگرش آنان به میزان موفق‌تر عمل کردن مردان در قیاس با زنان و تحلیل آرای آن‌ها در باب فعالیت سیاسی زنان^۲ کیفیت سناریوی ذکرشده تبیین شود.

۱. مقاله «عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان: بررسی عوامل محدود ماندن تعداد نمایندگان زن مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان»، تألیف دکتر حاکم قاسمی و خانم فاطمه معالی.

۲. حجم نمونه بررسی شده ۳۰۰ نفر بوده که به روش تصادفی ساده پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع و جمع‌آوری شد. پس از بازبینی، یک بار ۲۷۰ و یک بار ۲۴۱ پرسش‌نامه برای تحلیل نهایی تأیید شدند که با کدگذاری و استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس از آمارهای توصیفی و استنباطی برای توصیف و تبیین داده‌ها استفاده شده است.

جدول ۶. میزان علاقه زنان به درگیر شدن در سیاست [۱۱]

شاخص	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	جمع
فراوانی	۴۷	۵۴	۴۷	۸۷	۳۵	۲۷۰
درصد	۱۷٫۲	۱۹٫۷	۱۷٫۲	۳۱٫۸	۱۲٫۸	۹۸٫۵
درصد متغیر	۱۷٫۴	۲۰٫۰	۱۷٫۴	۳۲٫۲	۱۳٫۰	۱۰۰

من به سیاست و درگیر شدن در آن علاقه‌ای ندارم.

جدول ۷. زمینه مورد علاقه برای فعالیت [۱۱]

شاخص	فرهنگی	سیاسی	مذهبی	هنری	علمی	اجتماعی	همه موارد	جمع
فراوانی	۱۲۸	۳۲	۳۰	۱۰	۱۶	۵	۱۶	۲۴۱
درصد	۴۶٫۷	۱۱٫۷	۱۰٫۹	۳٫۶	۵٫۸	۱٫۸	۵٫۸	۸۸
درصد متغیر	۵۲٫۱	۱۳٫۳	۱۲٫۴	۴٫۱	۶٫۶	۲٫۱	۶٫۶	۱۰۰

ترجیح می‌دهید در کدام یک از عرصه‌ها فعال باشید؟

جدول ۸. میزان علاقه به کاندید شدن در انتخابات مجلس [۱۱]

شاخص	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	جمع
فراوانی	۲۵	۵۴	۷۳	۷۷	۴۲	۲۷۱
درصد	۹٫۱	۱۹٫۷	۲۶٫۶	۲۸٫۱	۱۵٫۳	۹۸٫۵
درصد متغیر	۹٫۲	۱۹٫۹	۲۶٫۹	۲۸٫۴	۱۵٫۵	۱۰۰

در خود قابلیت کاندید شدن برای نمایندگی مجلس را نمی‌بینم.

جدول ۹. میزان موفق تر عمل کردن مردان در قیاس با زنان [۱۱]

شاخص	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	جمع
فراوانی	۲۷	۷۷	۶۱	۶۳	۳۸	۲۶۶
درصد	۹٫۹	۲۸٫۱	۲۲٫۳	۲۳٫۰	۱۳٫۹	۹۷٫۱
درصد متغیر	۱۰٫۲	۲۸٫۹	۲۳٫۹	۲۳٫۷	۱۶٫۳	۱۰۰

مردها معمولاً در عرصه سیاسی موفق تر عمل می‌کنند.

نتیجه به دست آمده گویای این است که پاسخ‌دهندگان خواهان حضور فعال و بهتر شدن جایگاه زنان در عرصه‌های سیاسی هستند، اما از این عرصه دور مانده‌اند و حتی خود آن‌ها بیشتر به سطوح پایین این مشارکت فکر می‌کنند؛ هرچند این توانایی را در خود می‌بینند که مشارکت فعال و در سطح نخبگان داشته باشند. در واقع جامعه‌پذیری سیاسی زنان به این ترتیب شکل گرفته است که زنان تمایل کمتری به مشارکت فعال و در سطح نخبگان نشان دهند.

نکته جالب توجه این است که برحسب قانون، هیچ تفاوتی در رأی دادن به نمایندگان، نامزد شدن و انتخاب نماینده زن برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی وجود ندارد. علاوه بر این، آمارها به نحو معناداری نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر مشارکت زنان ایرانی در مدیریت میانی کشور، به خصوص در شوراهای شهر و روستا و دهیاران از رشد درخور ملاحظه‌ای برخوردار بوده است. پس نمی‌توان انتظار داشت که در آینده حضور زنان حداقل از فعلی کم‌رنگ‌تر باشد.

جدول ۱۰. آمار مشارکت زنان در شوراهای شهر و روستا [۱۳]

دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا	بازه زمانی	تعداد کل داوطلبان	تعداد داوطلبان زن	درصد	تعداد منتخبان زن	درصد
اول	۱۳۷۷-۱۳۸۱	۳۳۶,۱۳۸	۷۲۷۶	۲,۱۶	۱۳۷۵	۰,۴۰
دوم	۱۳۸۱-۱۳۸۵	۲۱۸,۹۵۷	۵۸۶۷	۲,۶۷	۲۳۳۶	۱۰,۶۶
سوم	۱۳۸۵-۱۳۹۲	۲۴۷,۷۵۹	۷۱۲۹	۲,۸۷	۱۴۱۰	۰,۵۶
چهارم	۱۳۹۲-۱۳۹۶	۲۵۹,۶۶۴	۶۰۹۶	۲,۷۴	۲۹۸۸	۱,۱۵
جمع	۱۳۹۶-۱۴۰۰	۱,۰۶۲,۵۱۸	۲۶۳۶۸	۲,۴۸	۸۱۰۹	۰,۷۶

جدول ۱۱. آمار دهیاران زن [۱۳]

دوره	تعداد زنان دهیار
اول	۱۵۰ نفر
دوم	۴۰۰ نفر
سوم	۸۸۸ نفر
چهارم	۱۵۲۳ نفر
جمع	۲۹۶۱

سناریوی دوم: تحول نهادی و شکل‌گیری الگوی سکولار مشارکت در ایران

همان‌طور که می‌دانیم، مشارکت سیاسی در کشورهای با الگوهای غربی با الگوی اسلامی، که پس از انقلاب در ایران جاری است، تفاوت‌های فراوانی دارد. آمیختگی اسلام در سیاست و افعال سیاسی، تکلیف شناخته شدن فعالیت سیاسی و توجه به مصالح امت اسلامی را می‌توان از شاخص‌های مهمی تعریف کرد که سبب تمایز الگوی مشارکت سیاسی ایران از الگوی غربی با مختصات دقیقاً خلاف موارد ذکر شده، همچون حق شناخته شدن مشارکت سیاسی، توجه به منافع فردی و گروهی و نه لزوماً منافع دینی و بی‌توجهی به مصلحت، می‌شود. پیش‌فرض سناریوی حاضر این است که طی ده سال آینده چنین تحول نهادی می‌تواند تحت تأثیر عوامل داخلی یا خارجی باشد تحقق پذیرد [۶].

به عبارت بهتر در شرایط گسترش توجه نقش زنان در عرصه بین‌الملل و امواج جهانی شدن

و همه‌گیر شدن و یکسان‌شدن مطالبات زنان در اقصا نقاط جهان، استحاله فرهنگی در جهت تأثیرگذاری شدید بر افکار عمومی جامعه، استحاله سیاسی به منظور ناکارآمد جلوه دادن نظام سیاسی حاکم، تشدید نارضایتی عمومی از دولت و حکومت، تلاش برای بحرانی جلوه دادن شرایط در جهت هدف کلی‌تر، یعنی براندازی درونی و تغییر سیاسی جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند شرایطی را به‌وجود آورد که به‌طور اساسی با شرایط کنونی متفاوت باشد. درواقع، با عطف به اقدامات پیش‌گفته، جامعه ایران با بحران هویت مواجه شده و به سمت فرهنگ غربی یا سبک زندگی امریکایی گرایش می‌یابد. در اینجاست که شالوده حاکمیت و جامعه ایران آرمان‌های انقلابی تضعیف می‌شود [۱۶].

به لحاظ داخلی، موضوعی که باید به آن توجه داشت این است که اگر فرهنگ و هویت جامعه‌ای توان خود را از دست بدهد و مردم از فرهنگ و هویت خود گسسته شوند، قدرت درست اندیشیدن از آن‌ها سلب می‌شود. البته این به آن معنا نیست که می‌توان یا باید دیگر فرهنگ‌ها را کاملاً دست‌نخورده و ثابت و اصیل نگه داشت، زیرا تغییر از خصوصیات فرهنگ و هویت است. ولی این تغییر در صورتی به هویت فرهنگی به شکل خاص و هویت ملی یک کشور به شکل عام آسیب نمی‌رساند که جریان عادی و خود به خودی را بپیماید. در این میان، هویت ایرانی اسلامی ما از سویی ریشه در گذشته‌های تلخ و شیرین و عظمت تمدن مسلمین و یافته‌های سیاسی فرهنگی و اقتصادی آن و از سوی دیگر نگرشی بر موجودیت کنونی مسلمانان و چشم‌انداز آینده دارد. درحقیقت، تا زمانی که هویت مکتبی و فرهنگی با مشکلی مواجه نشده باشد فرهنگ لیبرال دموکراسی نخواهد توانست خود را جایگزین کند.

اما از لحاظ خارجی، از سوی دیگر ایران نظامی نسبتاً معقول و منطقی دارد و در بزنگاه‌ها انعطاف‌هایی از خود نشان می‌دهد که مانع از جدایی کامل بین مردم و نظام و حتی نظام بین‌الملل و جمهوری اسلامی می‌شود به‌علاوه از لحاظ نظری و ایدئولوژیکی آلترناتیو و رقیب جدی برای اسلام و جمهوری اسلامی در حال حاضر وجود ندارد تا مردم آن را با وضع موجود مقایسه و بعضاً ترجیح بدهند. نکته مهمی که تذکر آن ضروری است شرایط ناامن و بی‌ثبات فعلی بین کشورهای همسایه موضوع امنیت را برای مردم به یک مسئله حیاتی تبدیل کرده و به نظر می‌رسد ملت ایران در کنار حاکمیت جهت حفظ ثبات کشور تلاش می‌کنند [۱۶].

با عطف به توضیحات یادشده، بعید است در آینده تحول نهادی در سیستم و ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌وجود آید تا به تبع آن الگوی سکولار مشارکت فرصت ظهور و بروز یابد.

سناریوی سوم: پیشتازی زنان با ایجاد فرصت‌های برابر سیاسی، اقتصادی و رفح

نارسانی‌های فرهنگی اجتماعی

در این سناریو، که درواقع مطلوب‌ترین سناریوی متصور برای تحلیل آینده حضور زنان در عرصه سیاست است، موضوع توانمندی و توسعه‌یافتگی زنان ایرانی محوریت بحث را تشکیل می‌دهد.

براساس مطالعه انجام شده از سوی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری درباره تحلیل وضعیت شاخص های شکاف جنسیتی^۱ در ایران، بررسی چهار شاخص کلیدی در گزارش نشان می دهد ایران در مقایسه با سال قبل در بعد مشارکت اقتصادی از رتبه ۱۴۱ به رتبه ۱۴۰، در بعد آموزش از رتبه ۱۰۶ به رتبه ۹۴، در بعد سلامت از رتبه ۹۹ به رتبه ۹۸ و در مشارکت سیاسی از رتبه ۱۳۷ به رتبه ۱۳۶ رسیده است. شاخص و رتبه کشور ایران از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۶ نشان می دهند که در مجموع ۱۴۴ کشور، ایران از نظر رتبه کلی نسبت به سال گذشته ۲ رتبه ارتقا یافته و در رتبه کلی ۱۳۹ قرار گرفته است.

جدول ۱۲. تحولات روند شاخص شکاف جنسیتی طی ۲۰۰۶-۲۰۱۶ در ابعاد مختلف [۱۵]

سال	رتبه کلی		اقتصاد		آموزش		سلامت		سیاست	
	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز	رتبه	امتیاز
۲۰۱۶	۱۳۹	۰٫۵۸	۱۴۰	۰٫۳۵۷	۹۴	۰٫۹۷۵	۹۸	۰٫۹۷۱	۱۳۶	۰٫۰۴۷
۲۰۱۵	۱۴۱	۰٫۵۸	۱۴۱	۰٫۳۵۷	۱۰۶	۰٫۹۵۴	۹۹	۰٫۹۷۱	۱۳۷	۰٫۰۳۷
۲۰۱۴	۱۳۷	۰٫۵۸۱	۱۳۹	۰٫۳۵۹	۱۰۴	۰٫۹۵۷	۸۹	۰٫۹۷۱	۱۳۵	۰٫۰۳۷
۲۰۱۳	۱۳۰	۰٫۵۸۴	۱۳۰	۰٫۳۶۵	۹۸	۰٫۹۶۵	۸۷	۰٫۹۷۱	۱۲۹	۰٫۰۳۵
۲۰۱۲	۱۲۷	۰٫۵۹۳	۱۳۰	۰٫۴۱۲	۱۰۱	۰٫۹۵۳	۸۷	۰٫۹۷۱	۱۲۶	۰٫۰۳۵
۲۰۱۱	۱۲۵	۰٫۵۸۹	۱۲۵	۰٫۴۴۴	۱۰۵	۰٫۹۲۵	۸۵	۰٫۹۷۱	۱۳۰	۰٫۰۱۷
۲۰۱۰	۱۲۳	۰٫۵۹۳	۱۲۵	۰٫۴۲۶	۹۶	۰٫۹۵۹	۸۳	۰٫۹۷۱	۱۲۹	۰٫۰۱۷
۲۰۰۹	۱۲۸	۰٫۵۸۴	۱۳۱	۰٫۳۷۷	۹۶	۰٫۹۶۴	۶۳	۰٫۹۷۸	۱۳۲	۰٫۰۱۷
۲۰۰۸	۱۱۶	۰٫۶۰۲	۱۱۸	۰٫۴۴۹	۹۲	۰٫۹۶۸	۶۰	۰٫۹۷۸	۱۲۸	۰٫۰۱۷
۲۰۰۷	۱۱۸	۰٫۵۹	۱۲۳	۰٫۳۹۵	۹۰	۰٫۹۵۸	۵۸	۰٫۹۷۸	۱۲۲	۰٫۰۳۱
۲۰۰۶	۱۰۸	۰٫۵۸	۱۱۳	۰٫۳۹۵	۸۰	۰٫۹۵۴	۵۲	۰٫۹۷۸	۱۰۹	۰٫۰۳۱
تغییرات	۰٫۰۰		-۰٫۰۰۱		۰٫۰۰۰		-۰٫۰۰۷		۰٫۰۰۶	

همان گونه که در جدول ۱۲ مشخص است، مهم ترین تحول رخ داده در مورد کشور ایران کاهش فاصله جنسیتی در شاخص آموزش است؛ یعنی تقریباً رتبه ما را به رتبه سال ۲۰۰۸ بازگردانده است. براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد ایران موفق شده در آموزش ابتدایی به برابری جنسیتی دست یابد.

شکاف جنسیتی در سلامت و بقا با استفاده از دو مؤلفه نسبت جنسی تعداد دختران به پسران در بدو تولد و امید زندگی سالم مردان و زنان بررسی شده است که براساس این گزارش ایران از نظر رتبه کلی در رتبه ۹۸ و در امید زندگی در رتبه ۱۰۷ قرار دارد.

۱. شاخص شکاف جنسیتی براساس چهار شاخص کلی آموزش، سلامت، مشارکت سیاسی اقتصاد محاسبه می شود. این شاخص از سال ۲۰۰۶ از سوی مجمع جهانی اقتصاد محاسبه و هر ساله منتشر می شود. هر سال این شاخص برای ۱۴۴ کشور و براساس داده های سازمان بین المللی کار و داده های گزارش توسعه انسانی محاسبه می شود و مقدار شاخص محاسبه شده هر قدر به عدد ۱ نزدیک تر شود، به معنای برابری بیشتر و هر قدر به صفر نزدیک تر باشد، به معنای نابرابری بیشتر است.

بررسی وضعیت ایران در دو شاخص سیاست و اقتصاد نشان می‌دهد که بیشترین شکاف جنسیتی در این دو شاخص متمرکز شده است و یکی از دلایل مهم عدم توفیق ایران در کسب رتبه‌های بالاتر پایین بودن میزان مشارکت اقتصادی^۱ و مشارکت سیاسی^۲ است. بررسی وضعیت شاخص ایران در گزارش سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که ایران در شاخص کلی مشارکت اقتصادی زنان ۱۴۱ و در زیر شاخص‌ها همچون مشارکت در بازار کار رتبه ۱۴۳، کسب مناصب مدیریتی رتبه ۱۰۶، کسب مشاغل مدیریتی رتبه ۱۰۸، در جمع کشورهای با شکاف بالای جنسیتی در حوزه اقتصاد قرار دارد. این رتبه با توجه به نرخ بالای زنان تحصیل کرده درخور تأمل و بررسی است. بررسی دیگر شاخص‌های اقتصادی در این بخش نشان می‌دهد نسبت بیکاری زنان ۱۹/۸ و مردان ۸/۶ درصد است. به عبارت بهتر، نرخ بیکاری زنان نزدیک به دو برابر و نیم مردان است.

این گزارش در بررسی وضعیت رشد اقتصادی ایران بر چند عامل بازدارنده در مسیر توسعه سریع اقتصادی و دستیابی به تورم تک‌رقمی پایدار اشاره دارد که شامل اعتبارات محدود پولی و بانکی، بالا بودن هزینه‌های تولید و راه‌اندازی کسب و کار و بالا بودن نرخ بیکاری به‌ویژه بین زنان و جوانان اشاره دارد. با توجه به وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت، افت‌وخیزهای درآمدهای نفتی موجب بی‌ثباتی در اقتصاد و جریان رشد و توسعه اقتصادی می‌شود. براساس داده‌های جدول، که روند ۱۰ سال گذشته را در شاخص‌های کلیدی بررسی کرده، ایران در زمینه به‌کارگیری سرمایه انسانی زنان در حوزه اقتصاد و مدیریت کشور رتبه بسیار پایینی دارد و جبران این جایگاه منوط به تحولات جدی در نظام مدیریتی کشور است. آمارهای شاخص توانمندسازی سیاسی در گزارش سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد ایران رتبه کلی ۱۳۶ و در شاخص‌هایی همچون حضور زنان در پارلمان رتبه ۱۳۳، در مناصب وزارتی رتبه ۱۱۲ و در شاخص مناصب مهم اجرایی رتبه ۶۸ را کسب کرده است. با توجه به اینکه طی این دهه هیچ تحول مثبتی در این دو عرصه اتفاق نیفتاده است، بنابراین تداوم روند مذکور در دهه آینده دور از انتظار نبوده یا حداقل روند رشد فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف با موانع جدی مواجه خواهد بود و شاهد رشد اندک آن خواهیم بود. با عطف به توضیحات ذکر شده، واضح است که تحقق سناریوی پیشتازی زنان با تردیدی اساسی روبه‌روست.

۱. در بعد فرصت و مشارکت اقتصادی که شامل سه مفهوم فاصله در مشارکت (اختلاف در نرخ مشارکت نیروی کار زنان به مردان) فاصله دستمزد (درآمد اکتسابی زنان به مردان) و فاصله در پیشرفت زنان و مردان (نسبت زنان به مردان در دو گروه- شغلی قانون‌گذاران، مقامات ارشد و مدیران و کارکنان حرفه‌ای و فنی) است.
۲. شاخص توانمندسازی سیاسی به شکاف جنسیتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری سیاسی و از طریق بررسی نسبت زنان به مردان در مؤلفه‌های موقعیت وزراتی، جایگاه پارلمانی و سنوات در اختیار داشتن مقام اجرایی (نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور و ریاست دولت) در پنجاه سال گذشته تعیین می‌شود.

سناریوی چهارم: ارتقای تدریجی وضع فعلی مشارکت زنان (سناریوی محتمل)

رشد تدریجی و بطئی فعالیت‌های سیاسی زنان با بهره‌مندی از حمایت‌های سیاسی اقتصادی نظام، در بستری از موانع فرهنگی و اجتماعی، منطق اساسی این سناریوست. واقعیت این است که مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه کنونی ایران تا حدود فراوانی از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کلی جامعه متأثر است [۱]. شواهد در چند دهه گذشته حاکی از آن است که متناسب با فضای کلی جامعه، وضعیت زنان در کشور نیز فراز و نشیب داشته است؛ به این معنا که هرگاه شرایط کلی کشور از لحاظ سیاسی باز و از لحاظ اقتصادی دارای رشد بالا بوده و به‌طور کلی نوعی نشاط و سرزندگی در جامعه حاکم بوده، ما شاهد حضور و علاقه بیشتر زنان و برعکس آن، شاهد انزوا و گوشه‌گیری در عرصه‌های اجتماعی بوده‌ایم.

در مجموع و با اتکا بر داده‌هایی که در قسمت‌های پیشین تجزیه و تحلیل شد، از یک طرف با توجه به شاخص‌هایی چون:

- روند آهسته و تدریجی از میان رفتن موانع فرهنگی و اجتماعی طی سالیان گذشته [۱۱]؛
- عدم احساس ضرورت مسئولان و تصمیم‌گیرندگان ارشد نظام جهت تحول قانونی- نهادی و ساختاری عمیق در ارتباط با کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی زنان در کشور [۱۲]؛
- بی‌ثباتی اقتصادی و فقدان شرایط مساعد شغلی برای افراد جامعه به‌طور عام و زنان به‌طور خاص [۱۵]؛
- تداوم تفکر مردسالاری و مردانه دانستن فعالیت‌های سیاسی حتی در بخش مدرن جامعه [۱۲]؛
- البته در کنار این موانع، از طرف دیگر با توجه به رشد شاخص‌های مثبتی نظیر:
 - علاقه نسبی زنان به درگیر شدن در سیاست همچون نمایندگی مجلس و شوراهای اسلامی شهر و روستا؛
 - رشد تدریجی خودباوری در زنان نسبت به انجام‌دادن فعالیت‌های سیاسی؛
 - رشد تدریجی آگاهی جنسیتی به‌ویژه در دو سطح آموزش و سلامت؛
 - نقش مثبت وسایل ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی در تشویق زنان نسبت به ارتقای جایگاه خود در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی؛
- می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که در روند ده سال آینده فعالیت زنان در عرصه سیاست همراه با رشد تدریجی و مشارکت آنان خواهد بود.
- در نهایت، با توجه به توضیحاتی که در ارتباط با هریک از سناریوها ارائه شد، به نظر می‌رسد در میان سناریوهای چهارگانه ذکرشده، ظهور و بروز وضعیت سناریوی چهارم، با وجود روند تدریجی آن و فراز و نشیب‌های تحقق این مهم، محتمل‌ترین گزینه خواهد بود.

منابع

- [۱] آرای خبرگان.
- [۲] تبریزی، منصوره (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، ش ۶۴.
- [۳] جواهری، فاطمه (۱۳۹۰). گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران ۱۳۸۰-۱۳۹۰، تهران: نی.
- [۴] درویشی، فرهاد؛ امامی، اعظم (۱۳۸۹). «مشارکت سیاسی زنان در جنگ ایران و عراق طی سال‌های ۱۳۵۹-۱۳۶۰»، فصل‌نامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس: نگین ایران، س ۹، ش ۳۲.
- [۵] رضوی الهاشم، بهزاد (۱۳۸۸). «تحلیل جایگاه مشارکت زنان در فرایند توسعه سیاسی- اجتماعی انقلاب اسلامی ایران»، نشریه علوم اجتماعی، ش ۲۱.
- [۶] رمضان، رضا (۱۳۸۶). «تحلیلی از مشارکت سیاسی زنان ایرانی در تاریخ معاصر»، مجله معرفت، ش ۸۶.
- [۷] سهم‌کاندیداتوری زنان در ادوار مختلف انتخابات مجلس (۱۳۹۴). قابل دسترسی در سایت خبرگزاری آنام به نشانی: <http://www.ana.ir/news/75461>
- [۸] شوارتز، پیتر (۱۳۸۸). هنر دورنگری، برنامه‌ریزی برای آینده در دنیای با عدم قطعیت، ترجمه عزیز علیزاده، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.
- [۹] عباسی، فرهاد (۱۳۹۵). «تحلیلی بر مشارکت سیاسی زنان در انقلاب اسلامی ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۵، ش ۱۷، ص ۱۱۵-۱۳۶.
- [۱۰] عبداللهی‌نژاد، علیرضا (۱۳۹۵). «رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در انتخابات»، فصل‌نامه مطالعات رسانه‌های نوین، س ۲، ش ۵، ص ۳۵-۷۳.
- [۱۱] قاسمی، حاکم؛ معالی، فاطمه (۱۳۹۳). «عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان در مجلس شورای اسلامی از دیدگاه زنان»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۱۰، ش اول.
- [۱۲] کار، مهرانگیز (۱۳۸۰). مشارکت سیاسی زنان (موانع و امکانات)، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- [۱۳] مروری بر پیشینه حضور زنان در مدیریت روستایی در ایران (۱۳۹۴). قابل دسترسی در سایت پایگاه خبری تحلیلی کلید ملی به نشانی: <http://kelidemelli.com/fa/news/184/>
- [۱۴] مشارکت سیاسی زنان (۱۳۸۲). مجله شمیم یاس، ش ۱۲، قابل دسترسی در سایت حوزه به نشانی: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View1960937073674/>

[۱۵] تحلیل وضعیت شاخص‌های جنسیتی در ایران (۱۳۹۵). قابل دسترسی در سایت معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به نشانی:

women.gov.ir/uploads/images/gallery/ejtemaee

[۱۶] همتی، زهره (۱۳۹۳). «بررسی رویکردهای احتمالی امریکا در قبال ایران در دهه آینده:

یک مطالعه آینده‌پژوهانه»، پایان‌نامه کارشناسی علوم سیاسی ارشد، دانشکده علوم

اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

